

۷.....

۸.....

۱۰.....

۱۱.....

# تأملات نابهنگام

۱۳.....

## فریدریش ویلهلم نیچه

۲۳.....

۲۹.....

۳۹.....

۴۵.....

۴۱.....

### سیدحسین امین

۵۱.....

۵۵.....

۱۱۹.....

۱۲۵.....

۳۱۹.....

۳۶۷.....

۳۸۴.....

۸۷۶ - ۲۹۴ - ۷۹۸۶۷ - ۲ - ۶  
ISBN: 978 - 964 - 38222 - 5 - ۵

## فهرست مطالب

### پیشگفتار مترجم فارسی

- ۱- درآمد ..... ۷
- ۲- فلسفه‌ی نیچه ..... ۸
- ۳- نقد انتقادات بر نیچه ..... ۱۰
- ۴- انطباقی تأملات نیچه بر اوضاع کنونی ما ..... ۱۲
- مقدمه‌ای بر تأملات نابهنگام (جی. پی. استرن)
- ۱- بررسی تأملات نابهنگام نیچه: کلیات ..... ۱۷
- ۲- بررسی جداگانه‌ی تأملات نابهنگام ..... ۲۳
- رساله‌ی یکم - بهره‌گیری از جدل ..... ۲۳
- رساله‌ی دوم - وازدگی از تاریخ ..... ۲۹
- رساله‌ی سوم - فلسفه‌ای که با آن باید زیست ..... ۳۹
- رساله‌ی چهارم - در ستایش واگنر؟ ..... ۴۵
- ۳- نتیجه‌ی کلام ..... ۵۱

### تأملات نابهنگام

- ۱- رساله‌ی یکم:
- دیوید اشتراوس؛ دین‌باور و نویسنده ..... ۵۵
- ۲- رساله‌ی دوم:
- در باب سود و زیان تاریخ برای زندگی ..... ۱۲۹
- ۳- رساله‌ی سوم:
- شوپنهاور، به‌مثابه‌ی آموز شگر ..... ۲۲۵
- ۴- رساله‌ی چهارم:
- ریشارد واگنر دز بایروت ..... ۳۱۹
- نمایه ..... ۳۹۷
- عنوان و مشخصات انگلیسی کتاب ..... ۴۰۴



## پیشگفتار مترجم

### ۱- درآمد

کتابی که در پیش روی دارید، نخستین ترجمه‌ی جامع و کامل تأملات نابهنگام Untimely Meditations (Unzeitgemasse Betrachtungen) اثر نیچه است. فریدریش ویلهلم نیچه Friedrich Nietzsche (۱۸۴۴-۱۹۰۰) - فیلسوف و متفکر بزرگ قرن نوزدهم - به معرفی نیازی ندارد. او نابه‌غای است که به گفته‌ی ویل دورانت، نبوغ‌اش بیش از هر کس دیگر برایش گران تمام شده است و به گفته‌ی هایدگر، آخرین مهره‌ی حلقه‌ی فلسفه‌ی مابعد طبیعی است؛ همان زنجیره‌ی زرینی که در فجر تفکر بشری با افلاطون آغاز شد.

معروف‌ترین اثر نیچه کتاب چنین گفت زرتشت است و از ارزنده‌ترین آثار او تأملات نابهنگام، ضد مسیح، فراسوی نیک و بد، اراده‌ی معطوف به قدرت، زایش تراژدی، اینک انسان، دانش شاد و...

تأملات نابهنگام نیچه شامل چهار رساله‌ی مستقل است که نیچه در فاصله‌ی سال‌های ۱۸۷۳ تا ۱۸۷۶ در چهار موضوع مختلف نوشته است. درون مایه‌ی این چهار رساله، از نظر فلسفی و فرهنگی حائز اهمیت سرشار است. مبادی و مبانی فلسفی این چهار رساله را جی. پی. استرن J. P. Stern (نیچه‌شناس معروف)، در مقدمه‌ای که بر



ترجمه‌ی انگلیسی این کتاب نوشته است، تبیین و تحلیل کرده است. البته مقدمه‌ی استرن بیشتر ناظر به تبیین افکار نیچه در این مجموعه برای خوانندگان اروپایی به‌طور عام و مخاطبان آشنا با فرهنگ و زبان انگلیسی به‌طور خاص نوشته شده است. ترجمه‌ی حاضر، ترجمه‌ای از متن انگلیسی به قلم آر. جی. هالینگدل R. J. Hollingdale و مصدر به همین مقدمه به قلم استرن است. اما بعضی از این رساله‌ها مکرر به‌وسیله‌ی دیگر مترجمان به انگلیسی ترجمه شده است که یکی از آنان دکتر پیتر زیگفرید پرویس مقیم کانادا است.

پیشگفتار کوتاه حاضر فارسی بیشتر به این جهت لازم است که دریچه‌ای به فلسفه‌ی نیچه بگشاییم و انتقاداتی را که بر نیچه وارد کرده‌اند، ولو به اشارت و اختصار، در معرض نقد قرار دهیم و دیگر این‌که گفتار نیچه را در باب روزگار او در آلمان قرن نوزدهم، با ایران امروز مقایسه کنیم و در صدق آن‌ها بر اوضاع و احوال روزگار خودمان در نخستین سال‌های قرن بیست و یکم بیندیشیم.

## ۲- فلسفه‌ی نیچه

بر اساس جهان‌بینی نیچه، جهان اراده‌ای است معطوف به قدرت، و جز این چیزی نیست. با این نظر، نیچه غایت همه‌ی دستگاه‌های فلسفی، باورهای دینی و تلاش‌های انسانی را برای بنای جهانی معنوی و مطلوب، که فوق این جهان یا در موازات این جهان باشد، نفی می‌کند.

از منظر فلسفه‌ی دین، نقد و نفی نیچه نسبت به ادیان به‌طور عام و مسیحیت غربی به‌طور خاص در این جمله‌ها که نیچه آنها را به زرتشت نسبت می‌دهد، خلاصه می‌شود: «خدا مرده است. مفاهیم ابدی و آن سوی جهان و شیء فی نفسه همه ساخته و پرداخته‌ی مغز بشر و مفاهیمی پوچ و واهی است. بیماران و محترضان بودند که تن و زمین را ناچیز شمردند و آسمان و ملکوت را اختراع کردند، و قطره‌های خون نجات‌دهنده (مسیح) را ساختند...»<sup>۱</sup>

نیچه به ادوار و اکوار معتقد است. به عقیده‌ی او، چون ماده‌ی عالم محدود است صور

۱. نیچه، چنین گفت زرتشت

ترکیبی آن نیز محدود است، و چون جهان ابدی است، ناچار این صور محدود در فاصله‌های بسیار طولانی تکرار خواهد شد.

از منظر فلسفه‌ی اخلاق و فلسفه‌ی اجتماعی، نیچه با نفی ارزشهای اخلاقی معمول و قراردادهای اجتماعی معهود، با تکیه بر غریزه‌ی خلاق انسان برتر، ارزشهای نوی پیشنهاد می‌کند. کار او «تجدید ارزش همه‌ی ارزشها» است. به نظر نیچه، دو نوع اخلاق هست: اخلاق زبردستان و اخلاق زبردستان، و بر طبق این دو اخلاق، دو نوع «خوب» و دو نوع «بد» وجود دارد. خوب در اخلاق زبردستان هر چیزی است که مایه‌ی غرور و مباهات است، دلیری و به جستجوی خطر رفتن و توانائی؛ و «بد» در این اخلاق پستی و ابتذال و فرومایگی است. در اخلاق زبردستان «خوب» رحم و شفقت و بی‌آزاری و آرامی است، و ضد خوب «شر و بدجنسی» است. «شر و بدجنسی» در نظر زبردستان «خوب» زبردستان است، یعنی تهور و بی‌باکی و غیر عادی بودن و بر یک حال نبودن و خطرناک بودن. اخلاق زبردستان یا بردگان با دین یهود ظاهر می‌شود. پیغامبران یهود «ثروت»، «گناه»، «نیرومندی»، و «خدانشناسی» را مترادف هم دانستند، و به کلمه‌ی «دنیا» ارزش منفی دادند. این تغییری اساسی در ارزشها بود، و عکس‌العمل و انتقام معنوی بردگان و فرودستان و ناتوانان در برابر زبردستان و اقویا بود. از این به بعد درماندگان، بیچارگان، بدبختان، بیماران، و زشت‌رویان به عنوان «خوب» شناخته شدند؛ و زیبایی، قدرت، خوشبختی، و برتری خوبی و فضیلت شناخته نشد. اشراف و زبردستان، تحت تأثیر اخلاق نو یهودی، در خارج جولانگاهی نیافتند، و به خود پیچیدند، و خود را گناهکار و بدجنس دانستند. انسان نیرومند مانند آن حیوان درنده‌ای شد که در قفسش انداخته‌اند و ناچار شده است خود را بگزد و بدرد. بیماری بشر و رنج او از اینجا ناشی می‌شود. کلمه‌ی رحم و شفقت، که اخلاق یهودیت و ادیان منشعب از آن شایع کردند، تحقیر انسان از خویش و بی‌اعتمادی او به خویش است.

نیچه هوش و عقل و شعور را اصل و بنیاد نمی‌داند؛ آنچه در نظر او اصیل است اراده و غریزه است. به باور نیچه، هوش و عقل، خادم اراده‌اند. هوش و شعور و عقل برای ادراک و دریافت اشیاء و برای معرفت و علم نیست، بلکه برای خدمت به حیات و زندگی انسان